

بخیر باختر

قیمت اشتراك سالیانه ۳۰ والراست بتوسط محفل مقدس روحانی طهران یا یکسر با اداره ارسال دارند

این جریده در هر ماه بهائی یکبار نشر میشود و در مسائل متعلقه باین امر اعظم که مرقآت ترقیات مادی و معنوی نوع بشر و یگانگی و سیله انتظام و اطمینان عالم است سخن میراند و مقالات مفیده که موافق این مقصد است قبول خواهد شد

شماره ۱۴ جلد ۱۲ ۲۳ ماه نوامبر سنه ۱۹۲۱ موافق اماه قول سنه ۷۸ بهائی

الواح مبارکه اخیره

۴

شیکافو جناب دکتور ضیاء افندی بغدادی
علیه بهاء الله الابری

«حواله الله»

ای ثابت برپیمان نامه شمارسید مرقوم
نموده بودید که بعضی از متزلزلین بمن
نامه نوشتند و من جواب مرقوم نموده بودم
و بعضی اینرا دلیل گرفتند که مصاحبت
با متزلزلین جائز این عین خطاست
زیرا عبدالبهاء باجمیع خلق مکاتبه
مینماید حتی با اعدا و این منجبت از
رافتات نه استحقاق یکی از نساء
شیکافو مکتوبی بمن نوشته در بدایتش
اینکه چرا اجنابا شخص بد فطرت معاشرت
مینماینه در فقره ثانی مرقوم نموده که :
چرا باید نفوس مبارکه از معاشرت
نفوس خبیثه اجتناب نمایند

اول انطور نوشته بعد اینطور
باری جواب باو مرقوم شد در ضمن
مکتوب شماست این جواب را شما

در محفل روحانی بخوانید و باو بدید
و این را دستور العمل بدانید
البته باید از نفوس نالایقه اجتناب
نمود و الا اخلاق بکلی فاسد میشود
و عليك البهاء الابری

عبدالبهاء

۷ اکتوبر ۱۹۲۱

۹

شیکافو نامه الله مس ماری هول
علیها بهاء الله الابری

«حواله الله»

ای کینزالله نامه شمارسید و از
مضمون اطلاع حاصل شد از خدا
مخبراهم که ترا حیاتی جدید بخشد
سوالاتی نموده بودی که چرا
نفوس مبارکه در معاشرت با نفوس
بد فطرت دوری میجویند

این جهت آنست که همچنانکه
امراض جسمانی نظیر سل و سرطان
سرایت دارد و همچنین امراض روحانی
نیز سرایت دارد اگر یک شخص

مسلول معاشرت با هزار شخص جمع
 رسالم شود صحت و سلامت آن هزار
 نفر جمع رسالم در این شخص مرض مسلول
 تاثیر ننماید و از مرض سل بجات بخوبی
 ولی این مسلول چون معاشرت با آن
 هزار نفس نماید در اندک زمانی
 جمعی از آن نفوس سالمه مرض سل
 سرایت کند این امریست بدیهی و واضح
 و همچنین اگر هزار شخص بزرگوار
 با نفسی پست فطرت معاشرت کنند
 ککالات آن نفوس در این شخص پست
 فطرت تاثیر ننماید بلکه این پست
 فطرت سبب ضلالت آنها شود لهذا
 حضرت بهاء الله در الواح میفرماید
 « سوف تتشرهناك رائحة دفء
 ان اجتبوا منها كدلك يا اكرم العالم
 الحكيم »
 میفرماید عن قریب در آن شهر رائحة
 کریهه منتشر میشود باید از آن رائحة
 کریهه اجتناب نمایند و حضرت علم
 حکیم چنین شمارا امری نماید انهی
 و آن رائحة دفء، رائحة نفوس است
 همچنین در نامه نصیحت میفرماید :-
 « حال از مغز و حافظه و مریخ خود
 غفلت نمائید و دون او را بر او مقدم
 و مرجع مدارید که مباد از اریاح سمومیه
 عقیمه بر شما سرور نماید »

2
 و حضرت مسیح میفرماید که :-
 « مالك بتانی شجرة یابسه و ادربستان
 باقی نگذارد و البته او را قطع نموده بنار
 افکند چه که حطب یابس در خورد و لایق
 نار است »

باز حضرت بهاء الله میفرماید
 « پس ای اشجار رضوان قدس نهایت من
 خود را از سموم انفس خبیثه و اریاح عقیمه
 که معاشرت با شکرین و غافلین است حفظ
 نمائید تا اشجار وجود از وجود معبود
 از نجات قدسیه و رمعات انیه محروم
 نگردد » انتهى

اینست که باید از اشار اجتناب نمود
 و با ابرار معاشر در کلمات تکلمه نماید
 میفرماید « ای پسر من صحت اشار
 غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگول
 بزداید » و همچنین میفرماید :-
 « زینهار ای پسر خالک با اشار
 الفت بگیر و موافقت بجو که بحالست
 اشار نور جانوا بنا رحسان تبدیل نماید »
 اینست وصیت حضرت مسیح و وصایای
 حضرت بهاء الله

و اما مسأله دیگر شما برهان همین
 بیان است احتیاج بجواب نیست و من در
 حق تو دعایم تا حالتی یابی که سبب
 حصول موهبت کبری گردد و شما
 مطلب اول خود را درست قرائت نمائید

ملاحظه میکنید که مطالب اول شا همین خواهر است که شخص مذکور را
چراغ بخود میدهند و طرد نمیکنند و علیک السلام الابی الکتب و الکتب و الکتب

تلفزات مبارکه اخیر

که از حضرت عبدالهادی با مبارک رسیده و جدا بیا بگذرید
حیفاً ۸ نومبر سنه ۱۹۲۱ و بلهلم نیویورک
احوال صحت لجا چطور است عباس
سنه بلهلم تاریخ ۹ نومبر مرز کرد بمضمون اینکه حرکات
نقض در بعضی شهرها پیدا شده جواب مبارک این بود
حیفاً ۱۲ نومبر سنه ۱۹۲۱ و بلهلم نیویورک
هر کس با ارض میبندد مضر در هر یک کس که
باسع است از فریبان اجتناب بکند و از جهود الخیر
منعم میشود از نافعین اجتناب کنید گودال تو
و پارسی را تلفزات اخبار دهید عباس
بعد تلفزات مبارک دوم رسید
حیفاً ۱۲ نومبر سنه ۱۹۲۱ و بلهلم نیویورک
از الطاف الهی صحت مبطلیم عباس

بقیه از شماره ۱۳

کین بهائی بیجی جمیع من علی الارض است

بیش بهائی بیجی در مسیح به لاف می است
از در نظر اعتقاد است بیخود مقوله که بیان حق و حق بلا طاعت است و تعلیم است
هر یک از این بزرگان که از جانب حق و سلطان مقرر شده در کل زمین مردم خود را
با کسر و کشتن با قدر و مطابق نیست که از تیره را در اطرافش بر کس باشد مگر حق
و با حق حقیقت مقرر است منزلت جنگ در علوم مردم را بر سر است و در
تقریب مردم که بر کشته مقصد جمیع با بیت است که جمیع نوسان حق است سازد و کمال
معرفت در تمام اشرف و اعلا است با بیت لاف سازد است بیجا و مژگان
بر مع با ارض است که بخت تمام نمون که در عالم است حضرت عبدالهادی است
تعالیم است تا از تمام جزیر زمین است لاف بختیک در مردم پدید است جمیع
و کمال شهر را اگر باور نیست مسیح اریال موجوده این عالم مردم را بر سر است و کمال
بصرف ملاحظه آن و سفر و فرود آمدن در آن حضرت عباس انقی در وقت
و تقریب انوار و در عالم حسیا یکدیگر جنگ نمایند و تقریب در جوار نقیب شخصی است از
عاید خدمت حق است و باید از هر که در کمال علم مردم را بر سر است و کمال
بناست که بزرگان صاحب مقدار توجه و قیام کنند به کمال و اتمام نوسان
راست هم نهادن در مردم در میدان مستعد نوع جهان الوقت شخصی را
میوان بهائی گفت که مطر و در آن وقت و کوران در وقت است که بخت
در بخت نمودن سخن او با بر سر است اینها بخت نمودن چه در خدمت کس میمانند

که کوشش نام سابق نزق بود و مع هم رسد و هر مسیح مردم را در عالم است
نکبات حضرت بهائی است
بیانات مبارکه حضرت بهائی است و از تقریبات و فرسارل عاوان توه در کمال
و عدلیت است نور و نور و حق و حق است و اینکه خویش را بنده بد خود مگر
این است که ایشان بسیار است ایشان میمانند که بخت برایت زمانت
مسیح نوز است جمیع عقوبات مردم نورانی با نور و نور شخصی و ذات
در مقام اول وقت حرم است در مقابل اقیاب محمود است در آن وقت
در مورد در عالم ظاهر فرمود و مقصود از این نور است با سایه این بود که حق عالم را بر سر است
قدر دارد نوز
حضرت عبدالهادی طریق سولدن عدول در دوزخ تمام در نوز
تقریبات ایشان آمد و در حضرت است تقدیریه نوال نمود و گفت که سایر
که این اولی است هر که باور بدیده تا در حق و حق است و بخت حضرت
عبدالهادی فرمود که اینگونه مردم در دنیا است و با سایر است و با
با در کمال که معلوم است اینها با در کمال مسیح است با سایر است و با
اتفاق جمیع کلم است در مع اساسی مردم است و این است و آن بخت است
در میان زمین است که در عالم را با نور است و آن است که در وقت
نور و عدالت جدید در جهان در طالع بود
در دانات حاشیه است که در کمال و حاصل ما بر فائده در عالم است
و کمال در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
بکمال در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
بموجب در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
بموجب در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال

و اینکه حضرت عبدالهادی در این شب شنید اجاره ملک مبارک
بکوشش آن رسید بسیار با کمال است و کمال و در کمال و در کمال
بسیار بسیار در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
طایفه حیوانات این بیگانه و با بیت فرقت است که طرفه کمال است
بخت میکنند که در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
نور و کمال است در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
تقریب که در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
بخت و کمال است در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
و بسیار است تا خدا بر کمال و در کمال و در کمال و در کمال
در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
تا فرقه بسته که در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
اسباب بخت در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
نزدک است با ما شد جسم آنها در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
باشید و قسید آنها در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
بناست که بخت و عدالت شولنه نوبان بکوشید که در کمال و در کمال
که از در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال
در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال و در کمال

دکتر الاحیاء حیات